

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: عثمان حیدری

۱۲ فیروری ۲۰۱۸

## به یاد رفیق، پیکارگر شهید حس منصورى

زندگینامه کمونیست جانباخته حسن منصورى از مسؤولین سازمان پیکار در ارومیه



سحرگاه ۱۸ مرداد [اسد] ۱۳۶۰، زندان تبریز شاهد تیر باران بیش از ۲۰ انقلابی و کمونیست بود. حسن منصورى، یکی از ستاره های سرخ جنبش کمونیستی نیز به همراه دیگر دوستان و رفقاییش در مقابل جوخه اعدام قرار گرفت و خاموش شد. حسن منصورى در بهار سال ۱۳۴۰ در شهر ارومیه متولد شد. پدرش ابراهیم منصورى و مادرش لیلی وکیلی بودند. آنها در میان مردم سرشناس و قابل احترام بودند. حسن دوران کودکی را در خانواده و محله ای شلوغ و پر جمعیت و با روایط صمیمانه و عاطفی سپری نمود. انسانی سر زنده و شاداب و پر انرژی بود. تحصیلات ابتدائی را در همان محله گذراند.

نوجوانی بود بسیار مهربان، دلسوز و با اطرافیان خود روابط صمیمانه و محبت آمیزی داشت. حسن از دوره نوجوانی علاوه بر تحصیل در زمینه های ورزشی و هنری نیز فعال بود. او فوتبالیست خوبی بود و با جوانان و نوجوانان هم محله تیم فوتبال درست کرده و در مسابقات محلات ارومیه شرکت می کرد. ۱۳ - ۱۴ ساله بود که به رفاه، مؤسسه فرهنگی آن دوران رفت و آمد می کرد. در آنجا با تئاتر آشنا و سپس در این زمینه فعال شد. خواندن نمایشنامه ها و ایفای نقش در تئاتر "توکانی در قفس" شاید اولین جرقه ای باشد که احساس آزادی و آزادگی را در وجود او بیدار کرد. پذیرش نقش و بازی در چندین نمایش تئاتر از نمایشنامه های برتولت برشت، شخصیت و خصوصیات فردی او را میان اطرافیان برجسته کرده بود. فعالیتهای فرهنگی و هنری محرک رشد آگاهی و پیدایش روحیه رزمندگی و آزادگی در او شده بودند.

علاقه زیادی به مطالعه کتاب داشت. در اوایل نوجوانی برای مدتی کوتاه به مطالعه آثار علی شریعتی علاقه نشان می داد. با مطالعه کتاب مادر و دیگر کتاب های ماکسیم گورگی و رمان های رومن رولان که تصویری از اوضاع جامعه آن دوران بودند، جهان بینی و اندیشه او بکلی متحول شدند. سال ۱۳۵۴ در "دبیرستان جامع" که فقط دانش آموزان ممتاز ارومیه در آن تحصیل می کردند، به تحصیل پرداخت و سال ۱۳۵۸ از همین مدرسه فارغ التحصیل شد.

در برآمد و اعتراضات توده ئی ۱۳۵۷ به قیام پیوست و در بیشتر اجتماعات اعتراضی فعالانه شرکت می کرد. او در گرما گرم مبارزات انقلابی با کمونیسم آشنا شد. با باز شدن هر چه بیشتر فضای سیاسی جامعه، با مطالعه آثار مارکس و کتاب های کمونیستی که براحتی با عنوان کتاب های جلد سفید منتشر می شدند کمونیست شد و بیشتر وقت خود را با مطالعه آثار سوسیالیستی، شرکت در جلسات سیاسی و تجمعات اعتراضی می گذراند.

او در تلاطم های سیاسی و فضای پرتب و تاب سیاسی آن برهه که همه درگیر سیاست بودند، در جمع های خانوادگی و دوستان تلاش می کرد بحث های سیاسی را به چشم انداز سوسیالیستی سوق دهد. حسن منصوری اگر چه بسیار جوان بود، اما به زودی به عنوان یک فعال سیاسی، برای زوال و نابودی نظام بورژوازی، برای برچیدن نظام سیاسی آن و رژیم جمهوری اسلامی، برای بنیان نهادن جامعه ای فارغ از ظلم و نابرابری، جهل و عقب ماندگی تمام قد ایستاد و همراه با "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" به کار و مبارزه پرداخت.

حسن یکی از فعالان کمونیست تشکیلات پیکار در ارومیه بود و در سال ۱۳۵۸ مسؤولیت سازماندهی تشکیلات دانش آموزی سازمان پیکار در ارومیه را به عهده گرفت. هر چند که او مسؤول تشکیلات دانش آموزی ارومیه بود ولی در عرصه های فعالیت دانشجویی، روستائی و کارگری نیز نقش چشمگیری داشت. اندکی بعد از انقلاب، رژیم برای سرکوب و حذف نیروهای چپ و سوسیالیست دست به انقلاب فرهنگی زد و دانشگاه ها را بست و حسن نتوانست در دانشگاه به تحصیل ادامه دهد.

حسن جوانی بسیار پر انرژی و پرکار بود. عشق او به رهائی انسان از او یک فعال به تمام معنا خستگی ناپذیر و حرفه ئی ساخته بود. در روابط صمیمی، دقیق، صادق، فداکار، متین، خوشرو و شاداب بود. در فعالیت سیاسی اش انسانی باسواد، فعال، سازمانده و مبلغ توانائی بود. برای رشد و گسترش تفکر سوسیالیستی با جدیت در محافل و جمع های دانش آموزی، دانشجویی و کارگری حاضر می شد. در دبیرستان های ارومیه، پیکارگران کمونیست را در هسته ها سازماندهی می کرد و در هدایت و کنترل فعالیت های آنها نقش بزرگی داشت. هواداران متشکل در هسته ها در آگاهگری و تبلیغ ایده های سوسیالیستی، پخش نشریات و اعلامیه های تشکیلات در مدارس و در سطح شهر ارومیه و روستاهای اطراف تلاش شبانه روزی داشتند.

حسن برای پرورش کادرهای کمونیست، ارتقای آگاهی، دانش سیاسی و اجتماعی اعضاء جمع های مطالعاتی آثار سوسیالیستی تشکیل داده بود. یکی از اولین کسانی بود که برای ایجاد و دایر کردن کتابخانه در مدارس ارومیه پیشقدم شد. او از طریق هسته های دانش آموزی توانست در چندین دبیرستان کتابخانه مستقل دایر کند و برای آنها صدها جلد از کتاب های سیاسی، اقتصادی، فلسفی، علمی، ادبیات انقلابی و کارگری، آثار کلاسیک سوسیالیستی تهیه کرد که تا آن زمان در کتابخانه های رسمی مدارس ممنوع بود.

یکی از اقدامات حسن منصوری در آن دوره ایجاد یک چاپخانه مخفی در شهر ارومیه بود که به طور مداوم مشغول چاپ و بازتکثیر اعلامیه ها و تراکت های تشکیلات بود. در ارومیه انتشار خبرنامه تورکی آذربایجانی ضرورتی اجتناب ناپذیر بود. حسن در انتشار و پخش آن که به مسائل و اخبار ارومیه می پرداخت تلاش زیادی کرد و هر هفته صدها خبرنامه به طور مجانی در اختیار مردم قرار می گرفت.

در سازماندهی گروه کوهنوردی مسؤولیت و نقش فعالی داشت. هدف او از کوهنوردی ایجاد روحیه کار جمعی، برقراری رابطه دوستی، ایجاد اعتماد در بین همزمان، ورزش گروهی و جلسه سیاسی در کوه بود که فعالان کمونیست هر جمعه برای فتح قله ای روانه کوه های حوالی ارومیه می شدند. در سازماندهی مبارزات توده ئی، کارگری و دانش آموزی نیز حسن فردی توانا بود. توانائی او در سازماندهی و هدایت اعتراضات اجتماعی، همراهی او

با سایر رهبران اعتراضات و نیز قرار گرفتن او در صف مقدم مبارزات، از او یک چهره محبوب، سرشناس و قابل اتکاء ساخته بود.

انجام این وظایف سنگین و فعالیت های مختلف بیشترین حجم کار و زندگی او را تشکیل می دادند. حسن منصوری در پیشبرد خیلی از مبارزات دیگر اجتماعی نقش پیشرو و فعالی داشت. به چند نمونه از فعالیت های او در زیر اشاره می شود.

در فروردین [حمل] سال ۱۳۵۸ دهقانان و رعیت های مناطق "سومای برادوست"، در اعتراض علیه اربابان که زمین های دهقانان را غصب کرده و آنها را از روستاهایشان بیرون کرده بودند، در سالن شهرداری ارومیه تحصن کردند. حسن در جهت تأمین نیازهای تحصن کنندگان و جلب حمایت مردم از دهقانان تا آخرین روز تحصن کوشید.

در سال ۱۳۵۸-۱۳۵۹، در رهبری تحصن ها و تظاهرات های دبیرستان های ارومیه نقش بزرگی ایفاء نمود. اعتراضات دانش آموزی که یکسره شدن مدارس، تشکیل شورای دانش آموزی، تشکیل کتابخانه و ایجاد دفتر برای فعالیت های سیاسی که چندین ماه ادامه داشت جزء خواسته های دانش آموزان بودند.

حضور فعال در جشن روز اتحاد جهانی کارگران در ۱۱ اردیبهشت [ثور] سال ۱۳۵۸ داشت که کارگران و نیروهای دمکراتیک و سوسیالیست برای اولین بار در ارومیه با تظاهرات چندین هزار نفری جشن گرفتند. همچنین نقش فعال او در سازماندهی هواداران سازمان پیکار در برگزاری مراسم و راهپیمائی اول ماه مه سال ۱۳۵۹، که با شکوهرتر از سال پیش گرامی داشته شد.

در سال ۱۳۵۹ کارگران بیکار و دیپلمه های بیکار در ارومیه چندین بار تظاهرات های بزرگی را به نمایش گذاشتند که تعدادی از رهبران و همزمان حسن از جمله "رفیق شهید کامران دانشخواه" دستگیر شدند ولی اعتراض و حمایت کارگران به آزادی آنها منجر شد.



در سال ۱۳۶۰ به خاطر سرکوب، اختناق و ممنوعیت برگزاری جشن روز همبستگی جهانی کارگران در ارومیه، همه هواداران به خصوص دانش آموزان، دانشجویان و کارگران هوادار سازمان پیکار برای شرکت در جشن اول ماه مه به تبریز رفتند و در مراسم و تظاهرات بزرگ اول ماه مه در تبریز شرکت کردند. همه هواداران پیکار در ارومیه حسن را به خاطر نقش فعال او در اتخاذ چنین تصمیمی و اجرای موفق آن می ستودند.

از دیگر فعالیت های حسن منصوری حضور در میان کارگران روز مزد و فصلی در میدین کار و درگیر شدن با مسائل و مشکلات شان بود. ایمان داشت که سوسیالیسم امر طبقه کارگر است، امری که در پروسه مبارزاتی و کسب خود آگاهی و سازماندهی انقلاب طبقاتی خود کارگران دیر یا زود به سرانجام خواهند رساند. لذا در هر فرصتی به خصوص صبح زود برای ارتباط با کارگران در میدین کار حضور به هم می رساند.

حسن به عنوان یک سوسیالیست برای رشد و پیروزی همه جنبش های دمکراتیک پیکار می کرد. او نه تنها برای تحقق مطالبات و حقوق طبقاتی کارگران مبارزه می کرد بلکه به مطالبات دمکراتیک مردم از قبیل برابری کامل و همه جانبه

حقوق زنان و مردان، حقوق کودکان، سکولاریسم، حقوق اقلیت های مذهبی، آزادی های بیان، مطبوعات و آزادی تشکل و برابری حقوق ملل تحت ستم در ایران ارزش و اهمیت ویژه ای قائل بود.

حسن منصوری به مطالبه حق ملل در تعیین سرنوشت خویش اعتقاد داشت و به همین علت از مبارزه مردم کردستان برای کسب حقوق دموکراتیک و از مقاومت مردم کردستان در برابر هجوم های وحشیانه جمهوری اسلامی که برای گسترش ارتجاع از هیچ گونه جنایتی فروگذاری نمی کرد، حمایت و کمک همه جانبه ای می کرد. او به طور خستگی ناپذیری برای جمع آوری کمک های جنسی، مالی، دارو، لوازم پزشکی و پوشاک برای کردستان تلاش می کرد و هواداران و اطرافیان را به این منظور تشویق و سازمان داده بود. تعداد زیادی از فعالان و مبارزان سیاسی کرد عضوی از خانواده او شده بودند و تحت حمایت و حفاظت او قرار داشتند. او در نشر و پخش اعلامیه ها و تراکت های مربوط به اخبار مبارزاتی کردستان کوشا بود. جهت جلب پشتیبانی مردم آذربایجان از جنبش رهایی بخش و دموکراتیک مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی فعال بود. تعداد زیادی از همزمان او به صف پیشمرگان کمونیست کردستان پیوستند و تعدادی از آنها از جمله خسرو جهاننیده و عتیق شیرینی جانباختند. خسرو جهاننیده پسر خاله حسن بود و به مدت سه سال در سازمان پیکار همسنگر و همکار بودند. او سال ها در مناطق مختلف کردستان جنگید. خسرو با نام مستعار مصطفی عجم به بسیاری از مردم کردستان شناخته شده بود و به یکی از محبوب ترین پیشمرگان کومه له در میان مردم کردستان تبدیل شده بود. او موقع جانباختن کادر و مسئول سیاسی گردان ۲۲ کومه له و حزب کمونیست ایران بود. حسن همیشه برای خسرو شخصیتی انقلابی، رزمنده و الگوی بسیار تأثیرگذار و الهام بخش بود.

در سال ۱۳۶۰ رژیم اسلامی همه نیرو و توان خود را برای سرکوب و نابودی آزادی ها متمرکز کرده بود. حسن با همکاری تعداد دیگری از رفقاییش برای جلوگیری از نابودی کتاب های جنبش کارگری و سوسیالیستی به جمع آوری صدها کتاب و منابع مختلف علمی، سیاسی و سوسیالیستی اقدام نمودند و در خانه ای کتابخانه مخفی بزرگی ایجاد کردند. سرانجام در اواخر خرداد سال ۱۳۶۰، حسن به همراه یکی از رفقاییش کامران دانشخواه، در همان خانه با صدها جلد کتاب، اموال تشکیلات پیکار و مقدار زیادی کمک های جنسی، دارو و لوازم پزشکی جمع آوری شده به کردستان دستگیر شد که بعد از چندی از شکنجه گاه های اطلاعات ارومیه به زندان تبریز منتقل شد. در دوران زندان از روحیه مقاومت و رزمندگی بی سابقه ای برخوردار بود و زندان را عرصه دیگری از مبارزه خود می دانست.

به نقل از دوستان هم بندش، دو بار حسن و رفیق پیکارگرش کامران دانشخواه را به اعدام فرا می خوانند، اما آنها با روحیه ای که گویا مرگ را به سخره گرفته باشند، دست در شانه یک دیگر راهی اعدام می شدند، اما هر بار با اعدام نمایشی مواجه شده و به بند باز گردانده می شدند. تا این که در سحرگاه ۱۸ مرداد [اسد] ۱۳۶۰ حسن منصوری به همراه کامران دانشخواه و بیش از ۲۰ کمونیست و انقلابی دیگر در تبریز، در برابر جوخه اعدام قرار گرفت و اعدام شد.

مأموران اطلاعات و سپاه پاسداران به خانواده حسن هشدار دادند که آنها حق برگزاری مراسم و حق دفن یک کمونیست در قبرستان شهر ارومیه را ندارند. علی رغم تهدیدات رژیم، پیکر حسن با حضور صدها نفر از مردم ارومیه و روستاها به قبرستان روستای میاوا (میاوق) در نزدیکی دریاچه ارومیه منتقل شد و در آنجا به خاک سپرده شد.

حسن قبل از اعدام در واپسین نامه و پیامش با جسارتی بی نظیر مردم و انقلابیون کمونیست را به مبارزه بی امان علیه هر نوع ظلم و تبعیضی، علیه نظام استثمارگرانه کاپیتالیستی و ایجاد جامعه سوسیالیستی فرا خواند.

متن کامل واپسین نامه و پیام او در زیر می آید:

"بین سرمایه داری و کمونیسم دره عمیقی وجود دارد که با خاکستر ما کمونیست ها پر خواهد شد." هوشی مین کارگران و زحمتکشان!

هم اکنون شاهدیم که رژیم جمهوری اسلامی با درندگی هر چه تمام تر به اعدام انقلابیون و توده های زحمتکش مشغول است. رژیمی که در واقع، میوه چین جانبازی ها و قهرمانی های شما می باشد، رژیمی که بعد از قیام خونین ۲۲ بهمن [دلو]، سلاحی را که شما به دست داشتید و به طرف سرمایه داری نشانه می رفتید از دستتان گرفت و راه سازش را در پیش گرفت. رژیمی که برای حفظ سرمایه داری و پاسداری از آن به شیوه های مختلف از جمله نیرنگ آشکار کوشید. اما تا ظلم هست مبارزه هم هست.

بعد از قیام خونین، ریشه های مادی این ظلم از بین نرفت و مبارزه توده ها هم ادامه یافت. مبارزه ای که سرانجام طبقه کارگر و زحمتکشان به پیروزی دست خواهند یافت و جامعه سعادت مند خود، سوسیالیسم و کمونیسم را خواهند ساخت. اما این کار آسان نیست. برای تحقق این امر خون ها جاری می شود و انقلابیون اعدام می گردند، ... به همین خاطر اعدام ما به دست رژیم جمهوری اسلامی امری طبیعی است و ما با افتخار به استقبال چنین مرگ سرخی می رویم. کشته شدن در راه طبقه کارگر واقعاً که افتخار است.

من به خانواده ام، به مادر، به پدر، به خواهرانم و به برادر کوچکم و همه فامیل هایم سلام دارم و از همه آنها می خواهم نه تنها از مرگ من بلکه هیچ کدام از انقلابیون ناراحت نباشند و سرافراز و سربلند باشند. من به تمامی رفقایم توصیه می کنم که راه طبقه کارگر را با سر سختی هر چه تمامتر ادامه دهند و البته ایمان دارم که آنها نیز چنین خواهند کرد.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد کمونیسم

حسن منصوری

۱۸/۵/۱۳۶۰

حسن منصوری اگر چه کوتاه زیست اما تمامی لحظات زندگی اش را وقف مبارزه برای تحقق حقوق دموکراتیک مردم و رهائی انسان ها از ظلم و استثمار نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم نمود و جانش را در راه آرمان های والای کمونیستی فدا کرد. پرداختن به همه تلاش ها، فداکاری ها، مبارزات و شخصیت والای حسن منصوری کار آسانی نیست. در اینجا به مناسبت گرامیداشت یاد و خاطره حسن، به زندگی کوتاه و به گوشه هایی از مبارزات او به طور مختصر اشاره شده است. یاد و خاطره حسن منصوری در دل خانواده، دوستان، پیکارگران آزادی، برابری و سوسیالیسم همیشه زنده است.

از طرف تعدادی از همرزمان و رفقای سابق حسن منصوری در خارج کشور

روز: [www.akhbar-rooz.com](http://www.akhbar-rooz.com)

اخبار

چهارشنبه ۱۸ بهمن [دلو] ۱۳۹۶ - ۷ فروری ۲۰۱۸